



اشاره:

در همایش معیارهای گزینش دولتمردان اسلامی از نگاه اهل بیت (ع) در ۱۴ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ علامه مصباح یزدی (ع) تصریح کردند: موضوع این همایش، مسأله‌ای است که جزء مسائل پایه و مقدماتی است؛ اما هنوز بعد از ۴۰ سال در این زمینه آن‌چنان که باید کار نشده است. مهم‌ترین نکات سخنرانی ایشان در آن جلسه با اندکی ویرایش تقدیم می‌شود:

شناخت، اولین شاخصه شناخت مدیران

نگاهی به معیارهای گزینش دولتمردان اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی (ع)

انواع حکومت‌ها

هرچند در خصوص حق حاکمیت، بحث‌هایی براساس روایات اهل بیت (ع) برای مخاطبان شیعی انجام گرفته است، اما کمتر مخاطبان دیگر در نظر گرفته شده‌اند؛ و اگر بخواهیم شرایط کارگزار حکومت را برای فردی تبیین کنیم که سکولار است و برای اسلام تشریعاتی برای اداره حکومت قائل نیست، باید بر اساس دلیل و تحلیل عقلی باشد. از آن‌جا که اصل وجود حکومت امری ضروری است، اما در طول تاریخ، اکثر حکومت‌ها بر اساس مبانی عقلانی تشکیل نشده‌اند، بلکه در گذشته‌های دور، ملاک زور بوده و کسی که می‌توانسته قدرت خود را بر دیگران تحمیل کند، به عنوان حاکم پذیرفته می‌شده است؛ و بعدها علم و ثروت هم به آن

جامعه مخاطب

در زمینه کیفیت تعیین کارگزاران، با مخاطبان مختلفی مواجه هستیم. یک دسته از مخاطبان کسانی هستند که به اسلام و نظام اعتقادی ندارند و حتی اگر مسلمان هستند، سکولار و معتقد به عدم‌دخاله دین در حوزه اجتماع هستند. دسته دیگر مسلمانانی هستند که همانند شیعیان از اهل بیت (ع) بهره نبرده‌اند و حداکثر فقط پیامبر (ص) را به‌عنوان ولی امر می‌شناسند؛ اما عده‌ای هم هستند که می‌خواهند بر اساس بینش شیعی عمل کنند و اهل بیت (ع) را در عصمت و علم، مانند پیامبر (ص) می‌دانند.

افراط و تفریط در هر مذهبی وجود دارد، حتی در بین شیعیان نیز اختلاف‌نظرهایی وجود دارد؛ اما اکثر شیعیان معتقدند که امام معصوم (ع) حق حاکمیت الهی دارد.



پا می‌گذارد؛ لذا با کارگزار بی‌تقوا - ولو شناخت هم داشته باشد - هدف از حکومت تأمین نمی‌شود. حسن تدبیر، شرط سوم کارگزار حکومت است و اگر کارگزار نداند که برای رسیدن به هدف حکومت چگونه باید از ابزار و امکانات استفاده کند، و در مقام تراحم نتواند اهم و مهم را بشناسد، باز هم هدف حکومت تأمین نخواهد شد؛ لذا علاوه بر آگاهی و عدم منفعت‌طلبی، حسن تدبیر نیز برای کارگزار حکومت لازم است.

کارگزار اصلح و اصل تنزل تدریجی

به دلیل عقلی و با توجه به تجارب عینی، در هر نظام سیاسی باید همه کارگزاران حدنصابی از شرایط که بایسته‌های کارگزاری برای حکومت است را داشته باشند؛ و اگر افرادی علاوه بر بایستگی‌ها، دارای شایستگی‌هایی هم باشند که بهتر می‌توانند هدف حکومت را تحقق بخشند، به حکم عقل باید همان‌ها انتخاب شوند، و این معنای انتخاب اصلح است.

حال اگر به فرض کسی یافت نشد که حدنصاب این شرایط سه‌گانه یعنی علم و تقوا و حسن تدبیر را داشته باشد، و یا فرد اصلح از روی ظلم، نتوانست خود را معرفی کند، و به‌عنوان نمونه تخریب‌ها و تهمت‌ها اجازه نداد فرد اصلح به این مقام برسد، در این صورت چه باید کرد؟ طبیعی است که در این صورت نمی‌توان از اصل حکومت صرف‌نظر کرد و باید به اقرب به اصلح تنزل کرد. تنزل به اقرب، امری عقلانی است؛ لذا در جایی که فرد واجد صلاحیت وجود ندارد، و یا اگر وجود دارد، موانعی بر سر راه او قرار دارد، کسی باید انتخاب شود که اشبه افراد به اصلح است.

از جمله ادله ولایت‌فقیه نیز همین است که وقتی دسترسی به امام معصوم علیه السلام نداریم، باید به اشبه افراد به وی در همین سه شرط علم، تقوا و حسن تدبیر مراجعه کنیم.

باید در نظر داشت: در حکومت دینی علاوه بر تأمین نیازهای بر زمین مانده مادی و دنیوی، قرب انسان به خدا و رشد و کمال وی نیز اهمیت دارد و تجربه نیز نشان داده که حکومت‌ها در این زمینه اثرگذارند.

اضافه شد و افرادی با بهره‌گیری از همین امور به حکومت رسیدند. لذا به‌طور طبیعی، کارگزاری برای چنین حکومت‌هایی مناسب‌ترند که بتوانند از هر راهی سبب بقای حکومت شوند؛ حتی اگر بتوانند با زور یا فریب مردم را با خود همراه کنند. حال اگر حکومتی واقعا بخواهد مصالح جامعه را تأمین کند، کارگزاران آن باید چه شرایط و ویژگی‌هایی داشته باشند؟

اهداف حکومت‌ها

اقتضای بحث عقلی این است که ببینیم هدف از تشکیل حکومت چیست، تا شرایط کارگزاران آن را بر اساس آن هدف تحلیل کنیم؛ ضمن آن‌که سؤال دیگر این است که آیا اهداف حکومت‌ها مشترک هستند یا خیر؟

یک هدف کلی مشترک برای تشکیل حکومت وجود دارد و آن تأمین نیازمندی‌هایی از جامعه است که متصدی بالفعل ندارد، و هیچ عاقلی در وجود چنین هدفی برای حکومت شک ندارد؛ به عنوان نمونه، تأمین امنیت با همه مراتبی که دارد، از مصادیق بارز این نیازمندی‌هاست؛ و طبیعی است که یک نفر به تنهایی نمی‌تواند امنیت را تأمین کند، بلکه به دستگاه و سیستمی نیاز است تا با استفاده از افراد مختلف با مراتب متعدد، تأمین امنیت را عهده‌دار شود.

علم، تقوا و مدیریت؛ سه شرط مهم کارگزاران

آیا می‌توان از نظر عقلی شرایطی کلی را برای کارگزار حکومت در نظر گرفت که در همه جوامع پذیرفته شده باشد؟ باید گفت: از آنجا که دستگاه حکومت دارای قواعد و مقررات و چارچوب‌هایی است، اولین شرط مسئولان حکومت، شناخت این قواعد و مقررات است؛ چراکه اگر مقررات را نشناسند، چگونه می‌خواهند هدف حکومت که در گرو رعایت این مقررات است را محقق کنند؟ لذا شرط اول کارگزار هر حکومتی شناخت و علم به قانون و مقررات است.

شرط دوم کارگزاران حکومت، عدم منفعت‌طلبی است و اگر کارگزار حکومت مقررات را بداند، اما منفعت‌طلب و بی‌تقوا باشد، در جایی که مقررات با منافع شخصی‌اش تعارض پیدا کند، منفعت خود را مقدم کرده و مقررات را زیر



به دلیل عقلی و با توجه به تجارب عینی، در هر نظام سیاسی باید همه کارگزاران حدنصابی از شرایط که بایسته‌های کارگزاری برای حکومت است را داشته باشند؛ و اگر افرادی علاوه بر بایستگی‌ها، دارای شایستگی‌هایی هم باشند که بهتر می‌توانند هدف حکومت را تحقق بخشند، به حکم عقل باید همان‌ها انتخاب شوند، و این معنای انتخاب اصلح است.